

بررسی تطبیقی صلح از منظر کانت و آموزه‌های علوی

سکینه پیرانوند* / محمد طاهر یعقوبی** / رجب اکبرزاده***
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

چکیده

وجود و عدم صلح می‌تواند در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و افراد جامعه موثر و نقشی تعیین کننده داشته باشد. مسأله اصلی پژوهش بررسی دیدگاه نهج البلاغه و کانت در موضوع صلح پایدار و وجوه اشتراک و افتراق آنهاست. در نگاه نهج البلاغه صلح به درونی، فردی و اجتماعی تقسیم شده و زمینه صلح اجتماعی در صلح فردی نهفته است و معیارهایی برای صلح وجود دارد که صلح پایدار باید متلبس به آنها گردد و صلح بین افراد و حاکمیت ایجاد می‌کند تا حکومت متضمن سلامت و امنیت اجتماعی، خدمت به مردم، عدالت محوری و قانون مندی باشد. از منظر کانت صلح پایدار دارای ارکانی است که جنبه صرفاً مادی دارند و پشتوانه آن آراء جمهور و برقراری دموکراسی است. گرچه مبانی صلح از منظر نهج البلاغه و کانت متفاوت است، اما در ضرورت و اهمیت صلح نظری واحد دارند. دو دیدگاه کرامت انسانی و حقوق افراد را محترم شمرده و نظم را در کنار آن ضروری و آن را علت موجه صلح می‌دانند و اصل اولی را صلح و جنگ را عارضی و غیر اصیل می‌دانند و عدالت هدف اصلی برقراری صلح است. دو دیدگاه مطرح، از لحاظ مبانی معرفتی و هستی شناسی متفاوت هستند. صلح در نهج البلاغه مبتنی بر جهان بینی الهی و در نگاه کانت دارای نگاهی مادی است؛ صلح در نگاه اول، اصلی ثابت بوده و مقوله‌های زمانی و مکانی در آن اثر نمی‌گذارد و هدف از آن ایجاد آرامش برای افراد اجتماع است، در صورتی که در نگاه دوم، صلح مسأله‌ای نسبی است و هدف از آن ایجاد منفعت در سطح دولت‌ها است.

واژگان کلیدی:

صلح، علی علیه السلام، کانت، نهج البلاغه، جمهوریت، دولت

sakineh.beiranvand68@gmail.com
yaghoubi@pnu.ac.ir
r_akbarzadeh@pnu.ac.ir

*. کارشناسی ارشد نهج البلاغه، دانشگاه پیام نور.
**. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
***. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۱- مقدمه

تلاش برای برقراری صلح از آغاز تاریخ زندگی بشر همواره دغدغه‌ای در اذهان رهبران و اندیشمندان اجتماعی بوده است. امروزه می‌توان چنین ادعا کرد که ایجاد صلح در جامعه انسانی، همان علوم انسانی مدرن می‌باشد. مبحث صلح انگیزه‌هایی برای تشکیل پیمان‌های گوناگون و به وجود آوردن ائتلاف‌ها می‌باشد.

اکثر مکاتب به صلح و اهمیت آن توجه خاصی داشته‌اند، ولی در این میان، مدعیان تحقق صلح انسانی و پایدار دین مبین اسلام و مکتب لیبرالیسم هستند که راه‌های دستیابی به آن را ارائه کرده‌اند.

مکتب کانت به عنوان مبنای ایدئولوژی خاص در جهان بشریت مطرح است و اندیشه‌های او ساختار بسیاری از مقوله‌های فرهنگی و سیاسی را در جهان رقم زده و بسیاری از حکومت‌ها از الگوهای آن استفاده می‌کنند. در مقابل آن اندیشه‌های حضرت علی (علیه السلام) به عنوان الگوی اسلامی، در نهج البلاغه و سایر کتب نقل شده‌اند و پژوهشگران عرصه‌های مختلف به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند. یکی از مباحث مطرح در مکتب کانت و نهج البلاغه مقوله‌ی صلح است که با بررسی مکتب کانت و نهج البلاغه روشن می‌گردد که تفاوت‌های بنیادین و مبنایی در مقوله صلح با هم دارند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱- بیان مسأله

مفهوم «صلح» امروزه به گونه‌ای خاص، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است و رفته رفته انسان‌ها از جنگ روی گردان و به صلح گرایش پیدا کرده‌اند. رویکرد ایده پردازان در مورد مسأله جنگ و صلح، متفاوت ولی در یک راستا بوده است. بعضی، به بیان چهره خشن جنگ و بعضی دیگر به اهمیت صلح و امکان برقراری آن به صورت پایدار پرداخته‌اند. کانت با طرح اندیشه‌های فلسفی در حوزه اخلاق و معرفت شناسی جایگاه خود را پیدا کرده و طرحی نو در حوزه فلسفه سیاسی مطرح کرده است. طرح فلسفی کانت، شامل بعضی ساختارهای فراملی بود که تضمین‌هایی را به منظور تثبیت صلح پایدار ارائه می‌کرد که زیر بنای فکری تأسیس جامعه ملل را همین ساختارها تشکیل دادند (میرمحمدی، ۱۳۹۰؛ ۱۱۸).

در مقابل، در آموزه‌های اسلامی خصوصاً در آموزه‌های علوی نیز به این مسأله پرداخته شده است. از دیدگاه نهج البلاغه صلح موهبتی الهی و بستر مناسب روابط انسانی است که مایه‌ی آرامش مورد نیاز برای رشد همگانی است. در مورد ارزشمندی صلح، جایز است هر گونه تلاش معقول و



مشروعی در راه حفظ و تداوم صلح و برای جلوگیری از برهم خوردن آن صورت پذیرد. ایشان پاسداشت حقوق گروه‌های اجتماعی را عهدی الهی می‌داند و بی شک هر انسان خداجویی در تلاش برای حفظ و حراست از حقوق افراد جامعه خود را موظف می‌داند و در راه رسیدن به این مهم می‌کوشد. از منظر ایشان هیچ چیز چون عدالت و عدالت خواهی، با ارزش و گران قیمت نیست. پیشرفت و تعالی فردی و اجتماعی و سامانی جامعه، سلامت روابط و مناسبات آن در حوزه‌های گوناگون، همه در گرو عدالت می‌باشد. جامعه‌ای که محور زندگی در آن عقلانیت باشد و حق معیار همه امور قرار بگیرد، می‌توان جامعه عدالت پرور نامید.

آموزه‌های اسلامی صلح را از فرد آغاز می‌کند. و در مرحله بعد در بین خانواده و سپس در محیط اجتماعی و بعد در جامعه بین‌المللی برقرار می‌کند. در واقع بر اساس بیانات حضرت علی علیه السلام، صلح و آرامش درونی مقدمه‌ای برای رسیدن به صلح جهانی است. راه و رسم ایشان در برخورد با دشمن در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر به وضوح مشخص می‌باشد و همواره بر صلح تأکید داشته. مگر در جایی که راهی جزء مبارزه و مقابله نبود.

اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت می‌باشد که با مقایسه دو جهان بینی، چیستی و چگونگی صلح پایدار و راه کارهای عملی برای تحقق آن از منظر دو مکتب مورد بررسی و نتیجتاً تطبیق داده شود. از این رو در این پژوهش بر آنیم که تحلیلی تطبیقی از نظر کانت و نهج‌البلاغه در مورد صلح داشته باشیم. شناخت و تبیین مسأله صلح از منظر کانت و نهج‌البلاغه می‌تواند زمینه‌ای جهت روشن گری مقوله صلح و طراحی الگویی راه گشا در مسیر تحقق صلح باشد.

از این رو مسأله اصلی پژوهش حاضر، بررسی دیدگاه نهج‌البلاغه و کانت در مورد صلح می‌باشد و این که کدام یک ویژگی‌های لازم برای تحقق صلح پایدار را دارا است. هدف از این پژوهش، ترسیم و تحلیل دو نظریه نهج‌البلاغه (امام علی) و کانتی در موضوع صلح بوده که نتیجه آن امنیت و آرامش در شخصیت فرد و جامعه است. مقوله صلح از نظر نهج‌البلاغه جامع‌تر و عمیق‌تر از پرداختن به این موضوع در نگرش کانتی می‌باشد.

۲-۱- پیشینه‌ی تحقیق

صلح یکی از مسائل و مقوله‌هایی است که از ابتدای خلقت بشر تا کنون به عنوان یک دغدغه برای جامعه انسانی مطرح بوده است چرا که عدم آن می‌تواند به همه ابعاد زندگی بشر اخلال وارد نماید. بنابر این پیشینه مسأله صلح به ابتدای حیات اجتماعی بشر باز می‌گردد. در این مسأله هر چند آثاری نگاشته شده است، اما هر کدام از این آثار به صورت مستقل به مسأله صلح از منظر کانت یا

آموزه‌های علوی پرداخته‌اند. اما این پژوهش در پی بررسی تطبیقی این دو نظریه است. پژوهشگر در این پژوهش بر آن است که با روش توصیفی تحلیلی تطبیقی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب و آثار مرتبط در پی پاسخ به سوال این پژوهش می‌باشد. از بعد پژوهشی در زمینه بررسی «صلح در منظر نهج‌البلاغه و کانتی» تا کنون تحقیقاتی صورت گرفته است که در این بخش به یک نمونه از منابع مشابه اشاره می‌کنیم:

مقاله، صلح پایدار و عدالت سیاسی جهان، مهدی براتعلی پور.

در این مقاله، نخست به ادبیات و پیشینه بحث پرداخته می‌شود. آنگاه با عناوین بنیان‌های اخلاقی صلح جهانی، قوانین و مقررات بین‌المللی، و ساختار جامعه جهانی، عناصر طرح واره صلح پایدار، توأم با نگاه‌های انتقادی و تجدید نظر طلبانه راولز تشریح می‌گردد. سپس، درون مایه اصلی الگوی عدالت سیاسی جهانی راولز با عنوان دوری‌گزینی از دلالت‌های جهان شهرگرایانه فرا تاریخی کانتی به بحث گذاشته می‌شود. و در نهایت، از تداوم اندیشه آرمان واقع‌گرایی راولزی در پژوهش‌های کنونی صلح دموکراتیک سخن به میان می‌آید.

پژوهش حاضر به مقایسه دو جهان بینی که یکی جنبه الهی (نهج‌البلاغه) و دیگری جنبه مادی (کانتی) دارد می‌پردازد، و سعی بر آن است که چپستی و چگونگی صلح پایدار و راه کارهای عملی برای تحقق آن از منظر دو مکتب مورد بررسی و نتیجتاً تطبیق داده شود. از این رو در این پژوهش بر آنیم که تحلیلی تطبیقی از نظر کانت و نهج‌البلاغه در مورد صلح داشته باشیم. شناخت و تبیین مسأله صلح از منظر کانت و نهج‌البلاغه می‌تواند زمینه‌ای جهت روشن‌گری مقوله صلح و طراحی الگویی راه‌گشا در مسیر تحقق صلح باشد.

۲- روش اجرای تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای یعنی مراجعه به اسناد و مدارک نوشتاری و جمع‌آوری اطلاعات به صورت توصیفی و تحلیلی و باهدف کاربردی، با رویکرد دینی و مذهبی جمع‌آوری شده است.

۳- یافته‌های تحقیق

ما در این پژوهش، در پی آنیم که ابتدا مولفه‌های صلح را از منظر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه را مورد بررسی قرار دهیم و در ادامه مولفه‌های صلح پایدار را از منظر کانت نوشته و سرانجام وجوه اشتراک و افتراق این دو مسأله را بیان می‌کنیم و نتیجه‌گیری می‌شود.

۳-۱- مولفه‌های صلح از منظر نهج البلاغه

"صلح" به عنوان مبنای حیات جمعی انسان در اندیشه دینی امام علی (ع)، از ماهیت انسان و حقیقت سیاست نشأت می‌گیرد؛ از این رو چه در حوزه داخلی و چه خارجی اصل صلح به عنوان یک هدف دنبال می‌شود و امام (ع) از رو آوردن به مخاصمه و جنگ به شدت اعلام انزجار می‌کند. آن جا که به مالک اشتر دستور می‌دهد تا سیاست نظامی اش را به گونه‌ای سامان بخشد که کمتر به جنگ و بیشتر به صلح بیندیشید (رستمی، لطفی، ۱۳۹۴: ۹۳).

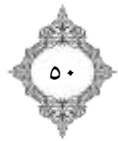
در متن نهج البلاغه می‌توانیم به آموزه‌هایی که به صراحت، به موضوع صلح می‌پردازند، دست پیدا کنیم از جمله: ریخته نشدن خون بی‌گناهان است که حضرت در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید: **إِيَّاكَ وَالِدَّمَاءَ وَسَفْكَهَا بَعِيْرَ جِلْهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْنَى لِقِمَّةٍ، وَلَا أَعْظَمَ لِبِئَعَةٍ، وَلَا أَحْرَى بِزَوَالِ نِعْمَةٍ!** از خون ریزی پرهیز، و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک، مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد (دشتی، ۱۳۸۸، نامه ۵۳).
نهج البلاغه عدم صلح را دلیل خونریزی، و خونریزی را دلیل عقوبت الهی می‌داند که اطلاق کلام دلالت بر عقوبت اخروی و دنیوی دارد.

۳-۱-۱- صلح و آرامش درونی

از دیدگاه نهج البلاغه، صلح و آرامش درونی مقدمه‌ای برای رسیدن به صلح جهانی است. از جمله راه‌های رسیدن به صلح جهانی، یاد خدا، تقوا، زهد، قناعت و دوری از حسد و رزوی می‌باشد (علیزاده طوسی، ۱۳۹۵، ۳۴ و ۸). از آن جایی که برقراری صلح جهانی پایدار و داشتن روابط انسانی یک دغدغه‌ی بشری به حساب می‌آید، به همین منظور برای رسیدن به این مهم نمی‌توان افراد را نادیده گرفت (همان؛ ۱۰-۹). «کسی که چیزی را در دل پنهان نکرد، جز آن که در لغزش‌ها زبان و رنگ رخسارش، آشکار خواهد شد» (دشتی، ۱۳۸۸، حکمت ۲۶).

در تعالیم حضرت علی (ع)، صلح و آرامش درونی رابطه جدایی ناپذیری با صلح اجتماعی دارد: «کسی که پنهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند، و کسی که برای دین خود کار کند خدا دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گردان، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد» (دشتی، ۱۳۸۸، حکمت ۴۲۳).

صلح و آرامش درونی فرد می‌تواند زمینه ساز صلح اجتماعی باشد چرا که اصلاح بین فرد و وجدان او و اصلاح بین فرد و خداوند، خود زمینه را برای زندگی مسالمت آمیز اجتماعی فراهم می‌کند. روش برخورد با مردم، همان الگوی رفتاری در نهج البلاغه است. «مهربانی با مردم را پوشش



دل خویش قرار داده، و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آن را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (دشتی، ۱۳۸۸، نامه ۵۳). کرامت انسانی در مبانی اسلامی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و در آیات و روایات مختلفی نقش کرامت انسانی در ایجاد صلح و پایداری در صلح را تبیین و تشریح می‌نمایند.

۳-۱-۲- صلح اجتماعی

صلح دارای موارد و گستردگی خاصی است که یکی از آن موارد صلح اجتماعی به معنی عام جامعه بشری است که در آن، نژاد، جنسیت، دین، مذهب و... هیچ نقشی ندارد و سبب استثناء در آن نمی‌شود؛ و از آنجایی که صلح فردی نمود خارجی ندارد لذا لازم است که صلح اجتماعی که نمونه بارز صلح خارجی و عینی محسوس است مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. نهج البلاغه به موضوع مهم صلح گرایی، همدلی و همراهی مردم با یکدیگر که پایه و اساس جوامع انسانی است اهمیت داده که انسان‌ها باید صلح را به عنوان یک ارزش بپذیرند: زیرا مایه رشد و آرامش افراد می‌شود (علیزاده طوسی، ۱۳۹۵: ۳۴). بنابراین صلح اجتماعی لازمه‌ی ضروری زندگی اجتماعی بشر است که عدم آن می‌تواند سبب از بین رفتن امنیت و مانع سعادت دنیوی و اخروی بشر شود؛ لذا لازم است که همه افراد در مقابل ایجاد صلح اجتماعی و تقویت عوامل آن بکوشند. بنابراین نظریه نهج البلاغه هیچ فردی از افراد بشر را در زمینه ایجاد صلح اجتماعی استثناء نمی‌کند.

۳-۱-۳- صلح حکومت با مردم

صلح موهبتی الهی و بستر مناسب روابط انسانی و مایه آرامش لازم برای رشد همگانی است، امام علیه السلام جنگ و خونریزی را شر و بدی و صلح را خیر و نیکی می‌داند. ایشان در رویارویی ناچار با سه گروه ناکثین و قاسطین و مارقین، تمام وسایل ممکن و معقول و مشروع را به کار گرفت تا راهی به صلح بگشاید که خیر همگانی در آن است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲، ۶۱۸-۶۱۷). لذا با بررسی ودقت در اندیشه حضرت علی علیه السلام چنین بدست می‌آید که زندگی سیاسی و حیات فردی و اجتماعی ایشان نشانگر نهایت تلاش ایشان در جهت برقراری صلح، امنیت و آرامش است.

حضرت در خطبه ۴۰ نهج البلاغه می‌فرمایند:

«در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهره مند شوند» (دشتی، ۱۳۸۸، خطبه ۴۰).

برقراری صلح و امنیت، یکی دیگر از وظایف کلی حکومت اسلامی است. آسیب حکومت بد از



نبود حکومت کمتر است؛ به این دلیل که بی‌قانونی و هرج و مرج، همه راه‌های نجات را می‌بندد و همه امور و حدود را تعطیل و فتنه را حاکم می‌کند (محمدی صیفار، ۱۳۸۹: ۸۰).

یکی از مهمترین موارد لازم زندگی بشر، تأمین نظم و امنیت زندگی اجتماعی انسان‌ها است، هر چند که در خصوصیات فردی دارای شایستگی لازم نباشد (حمید زاده گیوی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۹۸). در واقع ایجاد صلح از عمده‌ی وظایف حکومت است که ضامن بقا و سلامتی اجتماع و حکومت است. حکومتی می‌تواند با تکیه به سرمایه اجتماعی و اقتصادی، و توان اداری - مدیریتی به درستی به سوی اهداف خود پیش روی کند که در آن جایی برای قانون شکنی و قانون گریزی نباشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۳۴۳-۳۴۲). از نگاه نهج‌البلاغه چنین است که می‌فرماید: «این حق برای تو نیست که در میان مردمان به استبداد و خود رأی عمل نمایی و به کاری مهم جز با دستاویز محکم در آبی» (دشتی، ۱۳۸۸، نامه ۵).

حضرت علی علیه السلام بر مردم گرایی همه جانبه و بدون تبعیض اصرار می‌ورزید (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۳۵۹). آن چنان که حضرت در نهج‌البلاغه، در ابتدای عهدنامه مالک اشتر به آن اشاره می‌فرماید. گستره عدالت در نهج‌البلاغه، انسان و هر حوزه‌ای از زندگی انسانی را در بر می‌گیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۷۱). نوع عدالت در جامعه و حکومت مردم مدار باید بر اساس قانون، شرع و سنت‌های اجتماعی باشد و عدالت، شیرازه‌ای جهت تنظیم باید و نبایدهای حاکمیت و مردم و افراد جامعه با یکدیگر باشد. رابطه محوری حق و حقوق را به افرادی که ارتباطات قوی تری دارند و به تعبیری دارای باند، گروه و رانت می‌باشند، است. ولی ضابطه محوری به معنی توانایی و استعداد افراد در واگذاری مسئولیت‌ها است. جامعه‌ای می‌تواند عدالت پرور باشد که محور زندگی در آن عقلانیت باشد و حق معیار همه‌ی امور قرار بگیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۶۵۹).

۳-۱-۴- عدالت و عدالت خواهی از منظر حضرت علی علیه السلام

چیزی جز عدالت و عدالت خواهی، از دیدگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام قدر و قیمت ندارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۶۵). چنان که در حکمت ۳۷۴ نهج‌البلاغه، در بیانی روشن و استوار می‌فرماید: «و تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است، و همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کنند، و نه از مقدار روزی می‌کاهند، و از همه این‌ها برتر، سخن حق در پیشروی حاکم ستمکار است» (دشتی، ۱۳۸۸، حکمت ۳۷۴).

استقرار دولت حق و اصلاح دولت‌های باطل و گسترش عدالت و ایجاد قسط، تثبیت صلح و

امنیت و... مهم‌ترین وظایف علوی در عرصه سیاست است (رستمی، لطفی، ۱۳۹۴: ۸۱). علاوه بر نظریات و اندیشه‌های حضرت علی علیه السلام سنت حاکی از برخورد ایشان نیز گواه بر عدالت خواهی ایشان است چرا که توضیح خود ایشان از منش سیاسی و اجتماعی خود، گواه بر عملی کردن اندیشه‌های ایشان توسط خود ایشان است چرا که در نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱-۵- پاسداشت حقوق افراد در همه عرصه‌ها

هنگامی که حقوق همه افراد در تمام عرصه‌های مختلف آن، آسیب‌های جدی دیده بود، آن زمان امام علی علیه السلام زمام امور را به دست گرفت. حضرت پس از بر سر کار آمدن اصلاح این امر را در پیش گرفت و تلاش کرد تا حقوق هر کس در عرصه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، حکومتی، مدیریتی، اقتصادی، قضایی و نظامی حفظ و حراست شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۳۰۰). لذا یکی از معیارهای مهم صلح در نهج البلاغه صیانت و حفاظت از حقوق افراد جامعه است و در صورتی می‌توان به جامعه‌ای صفت مسالمت آمیز یا مصلح و صالح را اختصاص داد که حقوق حقیقی افراد آن جامعه محفوظ باشد.

۳-۱-۶- شرایط صلح با دشمن

علی بن ابی طالب علیه السلام صلح را به معنای آرامش، آسایش، و نبود جنگ و خشونت توصیف می‌کنند (اسلامی، عین القاضی، ۱۳۹۳: ۱۰). در حقیقت "صلح" به عنوان مبنای حیات جمعی انسان در اندیشه دینی امام علی علیه السلام از ماهیت انسان و حقیقت سیاست سرچشمه می‌گیرد؛ از این رو چه در حوزه داخلی و چه خارجی اصل صلح به عنوان یک هدف دنبال می‌شود و امام علیه السلام از رو آوردن به سیاست تخاصم و جنگ به شدت اعلام انزجار می‌کند. این امر را در فرمانش به مالک اشتر به خوبی نمایان است. تنها زمانی می‌توان اندیشه یا مکتبی را صلح محور یا طرفدار صلح دانست که نه تنها اعتقاد واقعی به صلح داشته باشد، بلکه برای استقرار آن در همه شرایط برنامه ریزی و تلاش کند.

۳-۲- مولفه‌های صلح از دیدگاه ایمانوئل کانت

آموزه‌ی صلح و دموکراتیک بدون شک مهم‌ترین، یا دست کم بحث‌انگیزترین این مجاهدت‌ها، بوده است. که اتکا بر مفاهیم اخلاقی جهان‌شمول دارد (براتعلی پور، ۱۳۹۴: ۴۹). رساله صلح پایدار، یک طرح فلسفی دربرگیرنده اندیشه‌های ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) درباره بنیادی‌ترین جنبه‌های جنگ و صلح میان ملت‌ها و پیش‌زمینه‌ها و شرایط و موانع بر سر راه صلح در نظام بین‌الملل می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).



برخی از ایده پردازان، به بیان چهره خشن جنگ و برخی دیگر، به اهمیت صلح و امکان برقراری آن به صورت پایدار می‌پرداختند. در این میان، کانت، که با طرح اندیشه‌های فلسفی در حوزه اخلاق و معرفت‌شناسی جایگاه خود را پیدا کرده بود، طرحی نو در حوزه فلسفه سیاسی مطرح ساخت. وی با ارائه طرح « صلح پایدار » در عین حال که بعد شریر انسان را به رسمیت شناخت، با تأکید بر غایت فی نفسه بودن انسان و مددجویی از عقل عملی و اخلاق نهفته درون انسان، در پی یافتن راهی برای خاتمه دادن به ستیزه‌ها و نزاع‌هایی بود که خاطر فلسفی او را آزار می‌داد. طرح وی شامل برخی ساختارهای فراملی بود که تضمین‌هایی را به منظور تثبیت صلح پایدار ارائه می‌کرد. همین ساختارها، عملاً توانستند زیربنای فکری تأسیس جامعه ملل را فراهم سازند (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

۳-۲-۱- صلح پایدار در اندیشه انسان محور کانت

رساله « صلح پایدار »، مهم‌ترین رساله کانت در زمینه روابط بین الملل می‌باشد. بهترین شاهد در ماهیت تفکر کانت در سیاست خارجی، نقیض‌گویی استادانه‌ای است که در عنوان این رساله به کار برده است؛ تبیین اوصاف یک صلح پایدار و دائمی، هدف کانت از نگارش این اثر است. (معینی علمداری، ۱۳۸۱: ۲۶۸).

از نظر کانت یکی از ایده‌هایی که عقل به ما حکم می‌کند که نهایت کوشش را در نزدیک شدن هر چه بیش‌تر به آن به کار بریم و در عین حال معلوم نیست که حصول کامل آن هرگز شدنی باشد، حکومتی است که آزادی و قانون به طور کامل بر آن حکمفرما باشد. به عقیده کانت، صلح پایدار و تأسیس جامعه جهانی نیز، یکی دیگر از ایده‌هایی است که شاید هرگز به نحو کامل تحقق پذیر نباشد؛ اما عقل به ما حکم می‌کند که چه در عمل سیاسی و چه حیات اخلاقی، و خواه در کردار فردی و یا فعالیت اجتماعی، مکلفیم که پیوسته به دنبال آن باشیم (صبوری، ۱۳۸۰: ۳۶). از دیدگاه کانت در سطح بین‌المللی، هر دولتی باید با دولت دیگر به نحوی رفتار کند که دوست دارد با او به همان گونه برخورد شود؛ یعنی همان چیزی که در رابطه با افراد، آن را « بایسته قطعی » می‌خواند. از دیدگاه کانت، تحول از حالت طبیعی جنگ به حالت صلح در میان انسان‌ها، پس از طی مراحل رخ می‌دهد که کانت به طور مشخص در رساله صلح پایدار خود به آن‌ها پرداخته است (میرمحمدی، ۱۲۲، ۱۳۹۰).

۳-۲-۲- صلح جهانی

وضعیتی که در آن همه افراد، گروه‌ها و ملت‌ها با حفظ کرامت انسانی خود از زندگی همراه با

عدالت، امنیت، مدارا و مشارکت به عنوان یک « حق » برخوردارند، را « صلح جهانی » می‌نامند؛ و همچنین در تعیین سرنوشت خود و در راستای حفظ این وضعیت در جهان فعالانه همکاری می‌کنند. از بنیان‌گذاران تجدد و یکی از مؤثرترین فیلسوفان دوران مدرن، ایمانوئل کانت است که به عنوان پدر لیبرالیسم به حساب می‌آید (حقیقت، ۱۳۹۴؛ ۳). کانت در کتاب طرح صلح پایدار (۱۷۹۵م)، از هم‌پیمانی میان ملت‌ها سخن به میان آورده است و این هم‌پیمانی را تنها راه چیرگی بر بلایا و آسیب‌های جنگ می‌داند (امین، ۱۳۸؛ ۷۴).

۳-۲-۳- مبانی فلسفه سیاسی صلح جهانی تحقیق

فلسفه کانت در پیدایش نظریه‌های حکومت و صلح جهانی و پی‌افکندن شالوده و آموزه‌های لیبرالیسم و تأثیرگذاری او بر فیلسوفان و اندیشه‌وران متأخر در حوزه صلح جهانی بسیار مشهود است؛ تا آنجا که کانت به عنوان "پدر لیبرالیسم" شناخته شده است. مبانی معرفت‌شناسانه صلح جهانی مفاهیم و احکام در مورد انسان و فعل و ترک آن، اگر حاوی چیزی باشند که فقط از تجربه برآمده باشد، واجد هیچ ارزش اخلاقی نیستند. بدین طریق است که معرفت‌شناسی کانت به فلسفه اخلاق او پیوند می‌خورد. از طرف دیگر، مبانی معرفت‌شناسانه کانت، همانند عدم امکان شناخت بوده‌ها، با صلح‌گرایی او هماهنگ است؛ و از سوی دیگر، بین مبانی معرفت‌شناسانه وی با مبانی او در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی ارتباطی منطقی وجود دارد (رستمی، لطفی؛ ۱۳۹۴؛ ۹۴).

۳-۲-۴- اصول قطعی صلح پایدار

استقرار یافتن صلح میان انسان‌هایی که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، وضعیتی طبیعی نیست، بلکه وضعیت جنگی می‌باشد که طبیعی است؛ وضعیتی که متضمن تهدید دائم به جنگ است، حتی اگر این تهدید، همواره به مرحله عملیاتی نرسد. در این صورت بایستی وضعیت صلح را به وجود آورد؛ چون که صرف توقف عملیات جنگی به منزله تحقق صلح نیست؛ و علی‌رغم تضمینی که یک کشور از کشور همجوار خود برای حفظ صلح دریافت می‌کند (چیزی که تنها در وضعیت قانون مند رخ می‌دهد)، کشور اول که همچنین تضمینی را از دیگری در خواست کرده است، ممکن است خود یا کشور دوم مانند یک دشمن رفتار کند (کانت؛ ۱۳۸۰؛ ۱۱۲).

۳-۲-۵- حکومت جمهوری و صلح جهانی

از منظر کانت، حکومت جمهوری (شکلی از حکومت است که در آن، قانون، محور زندگی انسان‌ها است) علت ضرورت، تضمین صلح پایدار جهانی است. به بیان دیگر، مقدمه صلح جهانی، حکومت جمهوری بین‌المللی است. حکومت انتخابی یا دموکراتیک نوعی از حکومت جمهوری



محسوب می‌شود (حقیقت، ۱۳۹۵: ۱۲).

یکی از مسائل بحث انگیز این بخش از رساله صلح پایدار کانت، تقسیمی است که ذیل بحث جمهوری از انواع حکومت به دست می‌دهد و نکته مهم در فرقی است که میان دموکراسی و جمهوری می‌گذارد. به نظر کانت بر مبنای دو اصل متفاوت می‌توان حکومت‌ها را تقسیم کرد؛ یکی این که چه کسی حکومت می‌کند؛ دیگر این که مردم به چه وضعی توسط حاکمانشان حکومت می‌شوند. در تقسیم اول، دولت می‌تواند بر اساس حاکمیت شاه (تک نفره)، اشراف (گروهی)، یا دموکراسی (مردمی) اداره شود؛ و در مورد دوم تقسیم بندی میان جمهوری یا استبداد است (معظمی، ۱۳۸۸؛ ۱۴۰-۱۳۹).

۳-۲-۶- قوانین و مقررات بین‌المللی

کانت تأکید می‌کند که قانون اساسی همه دولت‌ها باید جمهوری باشد، زیرا تنها سرمنشأ حکومت جمهوری از قرارداد است و تنها عاملی که می‌تواند صلح را حفظ کند، قانون می‌باشد. بنابراین صلح تنها از طریق حکومت‌هایی امکان پذیر می‌شود که بر پایه قرارداد تأسیس شده‌اند. از منظر کانت، قانون اساسی حکومت جمهوری باید بر اساس آزادی همه اعضای جامعه وضع شود، عموم افراد باید در برابر قانون و قانون گذاری پاسخگو باشند و همه شهروندان باید برابر باشند. آن چه « همه مردم » گفته می‌شود و در حقیقت چیزی جز « اکثریت » نیست، می‌تواند به معیار همه چیز تبدیل شود (براتعلی پور؛ ۱۳۹۴: ۴۹). به نظر کانت، باید در روابط سیاسی، اخلاق و شرافت حاکم باشد تا صلحی پایدار که غایت و هدف نهایی است، استقرار یابد (همان).

۳-۳- اشتراکات و افتراقات صلح از منظر نهج البلاغه و کانت

با بررسی مقوله صلح و جایگاه والای آن در دو جهان بینی نهج البلاغه (امام علی علیه السلام) و لیبرالیسم اخلاقی که ریشه در آراء و مبانی فکری ایمانوئل کانت دارد، می‌توان اشتراکات و افتراقاتی را در این دو دیدگاه در مورد صلح و همزیستی مسالمت آمیز مشاهده کرد که در ذیل به این موارد اشاره می‌شود (جمشیدی، نجفی، زبیدی؛ ۱۳۹۵: ۲۳۹).

۳-۳-۱- اشتراکات

۱- نهج البلاغه و مکتب لیبرالیستی کانتی مدعی تحقق صلح پایدار و انسانی هستند و راه‌های دستیابی به آن را مورد بررسی قرار داده ارائه کرده‌اند (همان؛ ۲۲۱).

۲- حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه بر صلح تأکید دارند (علیزاده طوسی، ۱۳۹۵: ۳۴). از منظر کانت نیز بر صلح گرایی تأکید شده است (حقیقت ۱۳۹۴: ۱۸).

۳- می‌توان در متن نهج البلاغه به یک سری آموزه‌هایی دست پیدا کرد؛ اول آموزه‌هایی که صراحتاً موضوع صلح را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ به طور مثال با توجه به ارزشمندی حیات انسان‌ها، به ریخته نشدن خون بی‌گناهان می‌توان اشاره کرد. دوم آموزه‌هایی که شرایط ایجاد صلح و تداوم صلح را به دنبال خواهد داشت، همچون محترم شمردن حقوق و منافع دیگران است (علیزاده طوسی، ۱۳۹۵: ۴).

۴- پایه و اساس صلح در هر دو جهان بینی، اصل انسان گرایی یعنی توجه به کرامت انسانی و تحقق ارزش‌های انسانی، نقش و کارکرد او در هستی و خردمندی او است و بعد از آن اصل برابری انسان‌ها و تأکید بر حق همه افراد در برخورداری از زندگی آرام و صلح آمیز می‌باشد. همچنین نیز تأکید بر کرامت انسانی و تحقق ارزش‌های انسانی از قبیل امنیت، توسعه، عدالت و غیره می‌باشد (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵: ۲۳۹).

۵- رویکرد نهج البلاغه به مسئله « صلح مبتنی بر عدالت»، یا « صلح عادلانه» از جهاتی دارای شباهت‌هایی با فلسفه سیاسی کانت، در رابطه با « صلح پایدار» دارد. که یکی از علل این شباهت‌ها، توجه هر دو دیدگاه به فرد به عنوان نقطه آغاز اندیشه پروری است (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

۶- مفهومی که کانت از صلح در نظر داشت، « صلح به معنی عدم جنگ» یا همان « صلح منفی» بود. ولی در نگرش نهج البلاغه، صلح، هم در مفهوم منفی آن، یعنی عدم جنگ و هم در مفهوم مثبت آن، یعنی استقرار آرامش و ایجاد بستر مساوات و عدالت مطرح می‌شود (همان، ۱۳۷ و ۱۳۶).

۷- در دو دیدگاه نهج البلاغه و کانتی، صلح به معنای فقدان جنگ و درگیری، آشتی جویی و تقویت و تحکیم پیوندها و از بین بردن علل و اسباب تفرقه و نفاق در راستای برقراری روابط صلح جویانه و مسالمت آمیز است (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵: ۲۳۹).

۸- در دیدگاه نهج البلاغه و کانتی، اصل بودن صلح و استثناء بودن حالت جنگ، آن چیزی است که در مورد صلح از برجستگی خاصی برخوردار است و نقطه اشتراک هر دو جهان بینی را انعکاس می‌دهد. از منظر نهج البلاغه قطع ریشه‌های جنگ، مکانیزم صلح است که عمدتاً از طریق ایجاد رابطه منطقی میان غرایز و فطرت انسان صورت می‌پذیرد. انسان‌ها فطرتاً از جنگ نفرت دارند و به صلح و ثبات علاقه مند هستند (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵: ۲۴۰).

۹- ایمانوئل کانت در صلح پایدار خود و در ترسیم ارتباط دموکراسی و صلح از عدالت نیز سخن به میان آورده است. یکی از اشاره‌های کانت بدین گونه می‌باشد که " جمهوری‌هایی که از لحاظ داخلی



در آن عدالت رعایت می‌شود و بر اساس رضایت عدل بنیاد نهاده شده‌اند، رابطه برقرار می‌کنند و آن‌ها را مستحق این رابطه می‌دانند " پس از منظر کانتی، به غیر از شرط رضایت مردم و به تبع آن حق سرنوشت و برقراری دموکراسی، شرط رعایت عدالت برای هر دو طرف از لزومات تحقق صلح است (نوع پرست، ۱۳۸۸، ص ۹). از جمله مهم‌ترین وظایف علوی در عرصه سیاست می‌توان به، استقرار دولت حق و اصلاح کردن دولت‌های باطل و ارائه دولتی مبتنی بر آموزه‌های نبوی، گسترش عدالت و ایجاد عدل و قسط، به ثبات رساندن صلح و امنیت داخلی و بین‌المللی، و همچنین رفع اختلاف‌ها و ستیزه‌ها اشاره کرد (رستمی، لطفی، ۱۳۹۴؛ ۸۱).

۱۰- یکی دیگر از نقاط اشتراک این دو دیدگاه، اصل احترام به قراردادهای بین‌المللی و تحدید مسئولیت‌های فراملی توسط آن‌ها نیز از مبانی صلح است. نظریه صلح دموکراتیک کانت، تحقق صلح در میان حکومت‌های دموکراتیک را منوط به همکاری‌ها و تعهد و پایبندی به معاهدات، قراردادها و اصول مشترک مابین این حکومت‌ها می‌داند (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵؛ ۲۳۹).

۱۱- در حقیقت صلح از منظر دو دیدگاه نهج‌البلاغه و کانتی، اتفاق نظر دارند که عرصه بین‌المللی باید از حالت آنارشی به نفع شکل‌گیری نوعی جامعه بین‌المللی خارج شود و در نتیجه هویتی مشترک پیدا کند؛ هویتی که مؤید این معنا باشد که سرنوشت آینده جامعه جهانی به نوع رفتار همگی بازیگران آن ارتباطی تنگاتنگی دارد. چنین دیدگاه بی‌تفاوتی یا ملی‌گرایی منفی را تعدیل نموده و نوعی حساسیت بین‌المللی را به وجود می‌آورد که بازیگران را نسبت به یک دیگر تعهد پیدا می‌کنند. این شکل‌گیری جامعه بین‌المللی بر اساس هویت و سرنوشت مشترک، در ایده صلح دموکراتیک کانتی در قالب فدراسیون حکومت‌های جمهوری که دارای هنجارهای مشترکی هستند، نمود پیدا می‌کند. ولی در نهج‌البلاغه در قالب یک حکومت واحد اسلامی که هنجارها و اصولی نظیر عدالت و برابری و رفع ظلم و ستم برای همه انسان‌ها را دنبال می‌کند، انعکاس می‌دهد (همان؛ ۲۴۰).

۳-۲-۳- افتراقات

۱- صلح در آموزه‌های امام علی (علیه‌السلام) و کانتی از لحاظ مبانی معرفتی و هستی‌شناسی تفاوت دارند (رستمی، لطفی، ۱۳۹۴؛ ۹۵).

۲- صلح در نهج‌البلاغه دارای جهان بینی الهی و اسلامی است، ولی صلح در نظر کانت، دارای جهان بینی لیبرالیستی می‌باشد (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵؛ ۲۴۰). بسیاری کانت را به علت تأکید او بر امکان نیل به صلح میان دولت‌های دموکراتیک، پایه‌گذار اندیشه صلح لیبرال می‌دانند (رستمی، لطفی، ۱۳۹۴؛ ۹۳).

۳- مبنای صلح‌گرایی کانتی اومانیسیم و سکولاریسم (عدم نیاز به دین در حوزه امور اجتماعی و سیاسی) می‌باشد (حقیقت، ۱۳۹۴؛ ۱۸). فلسفه کانت در پیدایش نظریه‌های حکومت و صلح جهانی و پی افکندن شالوده و آموزه‌های لیبرالیسم و تاثیرگذاری او بر فیلسوفان و اندیشه‌وران متأخر در حوزه‌ی صلح جهانی بسیار مشهود است؛ تا آنجا که کانت به عنوان "پدر لیبرالیسم" شناخته شده است. اندیشه سیاسی کانت و دیدگاه او نسبت به صلح جهانی در معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق وی ریشه دارد. مبانی معرفت‌شناسانه صلح جهانی مفاهیم و احکام در مورد انسان و فعل و ترک آن، اگر حاوی چیزی باشند که فقط از تجربه برآمده باشد، واجد هیچ ارزش اخلاقی نیستند. بدین طریق است که معرفت‌شناسی کانت به فلسفه اخلاق او پیوند می‌خورد. از طرف دیگر، مبانی معرفت‌شناسانه کانت، همانند عدم امکان شناخت بودها، با صلح‌گرایی او هماهنگ است؛ و از سوی دیگر، بین مبانی معرفت‌شناسانه وی با مبانی او در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی ارتباطی منطقی وجود دارد. از طرفی دیگر مبانی اخلاقی صلح جهانی را نیز می‌توان یکی از تمایزهای دیگر صلح با آموزه صلح در نهج‌البلاغه دانست؛ چرا که ضرورت فلسفه اخلاق از منظر کانت را باید در بحث از تکلیف به شکل پیشینی جستجو کرد. هر عمل اخلاقی باید مطابق با وظیفه و از سر وظیفه، نه به دلیل رسیدن به نتیجه، باشد. (رستمی، لطفی؛ ۱۳۹۴؛ ۹۴) در حالی که مبنای صلح‌گرایی حضرت علی (علیه السلام) بر اساس دین اسلام است.

۴- از نظر کانت، به مجموعه‌ای از گزاره‌های عقل عملی محض، «دین» می‌گویند. تفاوت اصلی بین رویکرد کانت و نهج‌البلاغه، همین برداشت کانت از دین به عنوان دین اخلاقی، نه دین وحیانی است. همچنین به نظر وی دین حاصل عقل بشر است، نه وحی الهی (میرمحمدی؛ ۱۳۹۰؛ ۱۲۰). به عقیده کانت، اخلاق محتاج دین نیست؛ چون بر آن تقدم دارد. البته دین اخلاق را زیبا می‌کند. دین فقط شکل درونی دارد و حکومت نباید در امور نهاد دین دخالت کند؛ ولی حق منفی دارد؛ به این معنا که نباید بگذارد آموزگاران دینی صلح عمومی را تهدید کنند. «دولت بر سازمان روحانیت حق حاکمیت دارد؛ اما نه حق قانونگذار در سازمان داخلی روحانیت. مبنای اخلاقی کانتی، غایت بودن است. در حقیقت، به همه چیز، حتی به دین و خدا، از دریچه چشم انسان نگریسته می‌شود (رستمی، لطفی؛ ۱۳۹۴؛ ۹۵).

۵- رویکرد نهج‌البلاغه به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اجتماعی، عمدتاً در چارچوب رویکرد قرآن به این پدیده مطرح شده است (همان؛ ۹۱). در حالی که اندیشه سیاسی کانت و دیدگاه او نسبت به صلح جهانی در معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق او ریشه دارد (همان؛ ۹۴).



۶- اتکای هر دو نگرش بر انسان است اما نهج‌البلاغه با نگاهی فراگیر و کمال طلبانه انسان و نیازهای او چون صلح را مورد توجه قرار می‌دهد. در نتیجه در می‌یابیم که مفهوم صلح در نهج‌البلاغه به دلیل الهی - انسانی و فطری بودن، که به عنوان یکی از سرچشمه‌های منبع هویت و امنیت وجودی انسان‌ها است، امکان بیشتری در مقایسه با صلح لیبرالیستی کانتی که جنبه مادی دارد، در عرصه عمل دارد. (جمشیدی، نجفی، زبیدی؛ ۱۳۹۵؛ ۲۱۹).

۷- به عقیده کانتی، عمل بر پایه حق، عمل بر پایه امر مطلق الزام آور می‌کند. فقط زمانی می‌توان به نتیجه اندیشید که خود نتیجه، همانند صلح پایدار، وظیفه‌ای باشد که از امر مطلق بر آمده باشد. از منظر کانت، پیش از هر چیز به دنبال قلمرو عقل عملی محض و عمل درست بر پایه آن باش، و هدف کوشش تو، همان صلح پایدار، خود به سوی تو می‌آید (براتعلی پور، ۱۳۹۴؛ ۵۳). منشأ تکلیف در نظریه کانت بر اساس امر مطلق است، ولی در نهج‌البلاغه اوامر خداوند متعال می‌باشد (حقیقت، ۱۳۹۴؛ ۱۷).

۸- مفهوم صلح امری کاملاً سازه‌ای می‌باشد و در فرهنگ‌ها و آیین‌های مختلف و نیز در نزد آراء و اندیشه‌های افراد، دارای معنا و مفهوم متفاوتی می‌باشد، به نحوی که مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی هر یک با دیگری نیز متفاوت به نظر می‌رسد. در نهج‌البلاغه مفهوم صلح دارای جهان‌بینی الهی، همراه با عقلانیت ناب و وجدان پسند می‌باشد. هدف از صلح در نهج‌البلاغه رسیدن به جامعه‌ای است که در آن صلح و سلم‌طنین انداز شده و فرد را توأمأً به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند. اما مفهوم صلح در اندیشه کانتی با ایدئولوژی مادی‌گرایی همراه بوده و هدف آن نیز بیشتر کامیابی انسان‌ها در همین دنیای فانی است و با اصول لیبرالیسم گره خورده است که دارای مبانی و ارکان خاص خود جهت آزادی هر چه بیشتر انسان‌ها می‌باشد (رستمی، لطفی؛ ۱۳۹۴؛ ۹۶-۹۵).

۹- از دیدگاه نهج‌البلاغه همواره اصالت با صلح است و جنگ جز در موارد ضروری هرگز توصیه نمی‌شود و این صلح نیز زمانی با ارزش است که حقوق محرومان جامعه تأمین گردد، و این اصلی است که با مقتضیات زمان دچار تغییر و تحول نمی‌گردد. ولی صلح در نگرش کانتی، در ماهیت لیبرالی خود بر اساس اقتضائات زمانی تغییر می‌پذیرد و در حقیقت دارای جنبه سلبی است؛ چون که میان دو مقوله صلح و عدالت هیچ تناسبی برقرار نشده است. بدین جهت، تفاوت در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی موضوع صلح در دو دیدگاه نهج‌البلاغه و کانتی منجر به تفاوت بنیادین این مفهوم شده است (همان؛ ۹۶).



۱۰- بر اساس بیانات حضرت، صلح و آرامش درونی مقدمه‌ای برای رسیدن به صلح جهانی است (علیزاده طوسی، ۱۳۹۵: ۸). ولی از دیدگاه کانتی، حکومت جمهوری بین‌المللی مقدمه‌ای برای رسیدن به صلح جهانی است (حقیقت، ۱۳۹۵: ۱۲).

۱۱- مبانی اخلاقی صلح جهانی کانت را می‌توان یکی از تمایزات او با آموزه‌های صلح در نهج البلاغه نام برد (رستمی، لطفی، ۱۳۹۴: ۹۴).

۱۲- در نظریه صلح لیبرالیستی کانت، صلح به تنهایی به معنای همکاری و ایجاد وابستگی میان کشورها و دولت‌های دموکراتیک برای رسیدن به منافع مشترک و متقابل مادی خود و دوری از جنگ با هر وسیله ممکن می‌باشد. ولی در اندیشه و نگرش نهج البلاغه صلح معنایی فراگیرتر و گسترده‌تر دارد و امنیت و آرامش کامل و همه جانبه در تمام ابعاد فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

۱۳- مفهوم صلح از نظر کانتی به معنای عدم جنگ یا همان صلح منفی بوده که تنها در روابط بین دولت‌های دموکراتیک جریان دارد که ریشه و زیربنای تحقق صلح را در نظر می‌گیرد (همان)؛ ولی در نهج البلاغه تحقق صلح مثبت را در نظر دارد که با ایجاد عدالت و حقوق و کرامت انسان‌ها و رسیدن به امنیت، آرامش و سلامت افراد جامعه چه اسلامی و غیر اسلامی می‌باشد (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵: ۲۴۱).

۱۴- غایت اصلی صلح عادلانه، استقرار عدالت به عنوان محور پیشبرد روابط بین‌المللی و تعاملات انسانی می‌باشد. در نهج البلاغه، حضرت علی (ع) با ارائه ساز و کارهایی در حوزه عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ریشه کاوی بی‌عدالتی در بد اخلاقی و بی‌فرهنگی زمامداران جامعه، واقع‌گرایی را به اثبات می‌رساند، الگویی که نهج البلاغه ارائه می‌کند، بر خلاف الگوی تک‌ساختی کانت، از جامعیت قابل توجهی برخوردار است (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

۱۵- والاترین و مهم‌ترین هدف حضرت علی (ع) در فرمایشاتشان در نهج البلاغه برقراری عدالت و صلح جهانی و استقرار آرامش و امنیت در جامعه بشری می‌باشد. از منظر دیدگاه دینی و الهی بر خلاف دیدگاه مادی، استقرار صلح و آرامش و امنیت در جامعه حق همه ملت‌ها است. و همچنین در سایه صلح و آرامش است که استعدادهای بشر شکوفا می‌شود و باعث تبادل افکار و گسترش گفتگوها و حتی گسترش تعالیم دین مبین اسلام می‌شود (فخرالاسلام، قیوم زاده خرائقی، ۱۳۹۴: ۷۶).

۱۶- یکی دیگر از تفاوت‌های دو نظریه، مبانی فلسفه سیاسی صلح جهانی کانت است. کانت



معتقد است طرح پنهانی در طبیعت وجود دارد که حرکت تاریخی انسان را به سوی تشکیل جامعه جهانی غایت مند می‌سازد. شاید طرح پنهان طبیعت بیانی دیگر از علت غایی ارسطو باشد. و با خوش بینی به بشریت، به تلاش برای صلح، استقرار نظم، عدالت و تأمین پیشرفت بشر اعتقاد دارد (رستمی، لطفی، ۱۳۹۴: ۹۵).

۱۷- ایمانوئل کانت به عنوان پدر لیبرالیسم از بنیانگذاران تجدد و یکی از مؤثرترین فیلسوفان دوران مدرن محسوب می‌شود. نظریه نظام‌مند صلح کانت بر فلسفه اخلاق و فلسفه عمومی او تکیه می‌زند. این در حالی است که نظریات صلح در اندیشه سیاسی اسلام در دو بعد فلسفه سیاسی و فقه سیاسی انسجام چندانی ندارد. در عین حال، به شکل کلی می‌توان گفت تشابه نظریه صلح در نهج‌البلاغه با نظریه صلح کانت، صوری، و تفاوت‌های آن‌ها بنیادین است (حقیقت: ۱۳۹۵: ۳).

۱۸- در نگرش کانتی هدف و جهت‌گیری تحقق صلح متوجه رعایت حقوق شهروندان و جوامع یا دولت‌ها است در حالی که در نگرش نهج‌البلاغه، تحقق صلح در جهت اهداف الهی، رضایت خداوند، برقراری عدالت، رفع ظلم و ستم، کمال و رسیدن انسان به سعادت و تأمین منافع مشترک انسانی است. لذا صلحی که رضای خداوند در آن نباشد و عدالت برقرار نشود، و در جهت کمال و سعادت انسان‌ها نباشد، مورد پذیرش اما علی (علیه السلام) نیست؛ در حالی که در نظریه صلح دموکراتیک کانتی نه توجهی به ارزش‌های الهی و دینی می‌شود و نه صلح همراه با عدالت و مبتنی بر عدالت مورد توجه قرار می‌گیرد (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵: ۲۴۱).

۱۹- در نهج‌البلاغه، همه انسان‌ها، گروه‌ها و همه جوامع و دولت‌ها و کل بشریت موضوع صلح هستند یعنی صلح برای همگان است. زیرا بر اساس آیات قرآن کریم، انسان‌ها پیش از رسوخ ملکات مختلف در جان آن‌ها و در بدو تولد، دارای ماهیت و هویتی مشترک هستند و گرایش‌هایی دارند که در همه دوران‌ها و در همه مکان‌ها و جوامع با آن‌ها و در درون آن‌ها است. خداجویی، خدایپرستی، عدالت خواهی، صلح طلبی، خیرخواهی، کمال جویی، زیبایی خواهی و فضیلت طلبی بخشی از گرایش‌های مشترک فطری همه انسان‌ها می‌باشد. مجامع انسانی چون دولت‌ها نیز اعتباری و ابزار و مدافع حقوق انسان‌ها و رساندن او به کمال هستند. لذا همه موضوع صلح قرار می‌گیرند (جمشیدی، نجفی، زبیدی، ۱۳۹۵: ۲۴۳).

۴. نتیجه‌گیری

صلح مقوله‌ای است که در میان همه افراد محبوبیت و مطلوبیت ذاتی دارد با توجه به مبانی و دیدگاه‌های کانت و نهج‌البلاغه روشن می‌شود که تفاوت‌هایی در دو نوع دیدگاه وجود دارد و قاعدتا

چون صلح مسأله‌ای ذاتی است، وجوه اشتراکی در دیدگاه‌های مطرح نیز دیده می‌شود. از منظر نهج‌البلاغه، هدف از صلح به معنی جامع و کلی ایجاد آرامش برای تک‌تک افراد جامعه است و صلح را مقوله‌ای می‌داند که باید از سطح خرد به وقوع بپیوندد. به شکلی که با تحقق صلح فردی و درونی، صلح اجتماعی تحقق خواهد یافت و در صورتی که صلح فردی محقق نشود، صلح اجتماعی با مانع مواجه خواهد شد و مهم از منظر نهج‌البلاغه صلح فردی است. از منظر ایمانوئل کانت صلح مقوله‌ای متعالی است که با مطالعه آثار او روشن می‌شود که قائل به دست نیافتنی بودن آن است. مفهوم صلح در مکتب کانت عبارت است از: آرامش و آسایشی که ریشه در مادیات دارد و ارتباط اجتماعی افراد را شامل می‌شود، لذا صلح درونی را از محل بحث خارج می‌داند. کانت همواره به اهمیت و ضرورت صلح و نقش آن در قوانین و مقررات بین‌المللی تأکید دارد و قائل است که صلح جهانی زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که حاکمیت‌ها به شکل واحدی و در قالب جمهوری‌ت تشکیل شوند و نظم حاکم بر جهان از یک رویه سیاسی پیروی کند.

معنا و مفهوم صلح در مکتب کانت و نهج‌البلاغه دارای تعابیر مختلف اما معنی واحدی است. در حقیقت هدف هر دو دیدگاه نهج‌البلاغه و کانتی در مورد صلح، رسیدن به جامعه جهانی در سایه اجرای عدالت و محترم شمردن حقوق و منافع و آزادی افراد آن جامعه است. از هر دو منظر، عمل و اجرای تعهدات بین‌المللی عامل مهم و مؤثری در عدم وقوع جنگ و تثبیت صلح در جامعه جهانی است. اما با همه وجوه اشتراک مذکور دو مکتب و ایدئولوژی در مسأله صلح دارای وجوه افتراقی هستند بدین شکل که مبانی صلح در مکتب کانت مادی‌نگری و در نهج‌البلاغه توجه به ماده و معنا، توأم با یکدیگر است. از نظر نهج‌البلاغه صلح مقوله‌ای ثابت است که با تغییر زمان، مکان و افراد و جوامع هیچ تغییری نمی‌کند در صورتی که از منظر کانت صلح نسبی است و با شرایط تغییر را می‌پذیرد. صلح در نهج‌البلاغه متضمن ایجاد معنی وسیع‌تر است، چرا که هر نوع آرامش را در پی دارد، اما صلح مورد نظر مکتب کانت به منافع دولت‌ها می‌پردازد. بر این اساس می‌توان گفت که در مکتب کانت معیارهایی وجود دارد که در نهج‌البلاغه به صورت وسیع و گسترده‌تر مد نظر است.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی؛ ۱۳۸۸، انتشارات اسوه.

۱. اسلامی، روح اله؛ بهرامی عین القاضی، وحید؛ *پدیدار شناسی تکنیک‌های امام علی (علیه السلام) برای صلح* (مطالعه‌ی موردی عهدنامه مکتوب خطاب به مالک اشتر). جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳.
۲. افتخاری، اصغر؛ محمدی سیرت، حسین؛ «*صلح و سلم در قرآن کریم*»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۲.
۳. امین، عثمان؛ *فلسفه سیاسی کانت* با نگاهی به کتاب طرح صلح جاوید، ترجمه: محمد باهر، کتاب ماه فلسفه، شماره ۳۱؛ فروردین ۱۳۸۹.
۴. آل امین، محمدجلیل؛ *مقاله صلح پایدار بر مبنای آراء انسان شناسی و فلسفه حقوق کانت*، شهریور ۱۳۹۳.
۵. بحرانی ابن میثم، میثم بن علی؛ *شرح نهج البلاغه*، مترجمان قربانعلی محمدی مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ پنجم، ۱۳۹۱ ش، ج ۸.
۶. براتعلی پور، مهدی؛ *مقاله صلح پایدار و عدالت سیاسی جهان*، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.
۷. جمشیدی، محمدحسین؛ نجفی، مصطفی؛ زبیدی، زینب. *مقاله بررسی مقایسه‌ای مقوله صلح پایدار از منظر اسلام و لیبرالیسم اخلاقی (کانتی)*، زمستان (۱۳۹۵)، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۷، زمستان ۱۳۹۵.
۸. حقیقت، سید صادق؛ «*صلح جهانی: مقایسه‌ای مبنایی بین مبنای کانتی و دیدگاهی اسلامی ۱۳۹۴*»، حقوق بشر، سال یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۲۱، صص ۳-۲۰.
۹. میدزاده گیوی، اکبر؛ *شرح نهج البلاغه علی (قطره‌ای از دریا)*، انتشارات پیام نوین، ج ۲، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۱۰. حمید زاده گیوی، اکبر؛ *شرح نهج البلاغه علی (قطره‌ای از دریا)*، انتشارات پیام نوین، ج ۳، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ تراز حیات: *ساختار شناسی عدالت در نهج البلاغه*، تهران، انتشارات دریا، چاپ اول، ۱۳۹۰.



۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ دلالت دولت، آیین نامه‌ی حکومت و مدیریت در عهدنامه‌ی مالک اشتر، تهران، انتشارات دریا، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ لوح بینایی: تحلیل تاریخ حکومت امام علی با تأکید بر نهج البلاغه؛ تهران، انتشارات دریا، ۱۳۹۲.
۱۴. رستمی فرزاد، لطفی، کامران؛ نسبت سنجی مفهوم صلح در آموزه‌های اسلام و مغرب زمین (با تأکید بر نهج البلاغه)، فصلنامه علمی تخصصی سپهر سیاست، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۴.
۱۵. رستمی، علی امین، مقاله تکریم افراد و شهروندان در سیره نبوی، نشریه علوم انسانی معرفت، ۱۳۸۳، شماره ۸۶.
۱۶. صبور، محمدحسین، پایان نامه صلح پایدار در فلسفه کانت، ۱۳۸۰.
۱۷. عزیززاده طوسی، فریبا؛ پایان نامه واکاوی مؤلفه‌های صلح آفرینی در نهج البلاغه، ۱۳۹۵.
۱۸. فخرالاسلام، ابوالفضل؛ قیوم زاده خرائقی، محمود؛ موانع و چالش‌های صلح و گفتگو با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) (با تأکید بر نهج البلاغه)، فصلنامه علمی تخصصی سپهر سیاست، سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۴.
۱۹. محمدی صیفار، مهدی؛ اندیشه و روش اصلاح جامعه از دیدگاه امام علی علیه السلام، قم انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۲۰. محمودی، سیدعلی؛ صلح پایدار کانت و بازتاب آن در جهان امروز، پژوهش حقوق و سیاست، ۱۳۸۵، شماره ۲۰.
۲۱. معظمی، علی؛ صلح پایدار و عاملیت سیاسی نزد کانت، فصلنامه تاملات فلسفی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸.
۲۲. معینی علمداری، جهانگیر؛ «کانت گرایی، فرا کانت گرایی و نظم جهانی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۱.
۲۳. میرمحمدی، معصومه سادات؛ «مقایسه صلح پایدار در اندیشه انسان محور کانت و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی». فصلنامه معرفت ادیان، سال دوم، پاییز ۱۳۹۰، شماره چهارم.
۲۴. نوع پرست، زهرا؛ دموکراسی عدالت و صلح، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی / شماره نهم، ۱۳۸۸.

25.Kant,Immanuel(1917),peretual peace:A philosophical Essay. Translated with Introduction and Notes by M. Campbell smith,with a preface by L. Latta, London: George Allen and Unwin.

۲۶. این اثر با مشخصات رو به رو به فارسی ترجمه شده است: کانت، ایمانوئل، (۱۳۸۰)، صلح پایدار، ترجمه محمد صبوری، تهران، به باوران.

